

بررسی فقهی خلق پول درونی با تأکید بر قاعده اکل مال به باطل*

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۱۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۲۸

۳۵ سیده‌های عربی* سعید فراهانی فرد**
مهدی خوش اخلاق***

چکیده

خلق پول به عنوان مهم‌ترین عملکرد بانک‌های تجاری یکی از مباحث پرمناقشه در اقتصاد اسلامی است که با مخالفت برخی فقها و اندیشمندان این حوزه روبه‌رو شده است. یکی از دلایل اصلی برای مخالفت با خلق پول، تطبیق آن با قاعده اکل مال به باطل است. درآمد نامشروع بانک‌ها از خلق پول، عدم امکان بازگرداندن سپرده‌ها، خیانت در امانت به جهت امانت‌بودن سپرده‌ها، مبتنی‌بودن خلق پول بر ربا، نقض حقوق مالکیت و تورم‌زا بودن این پدیده از دلایل ارائه‌شده برای انطباق خلق پول بر اکل مال به باطل است. این مقاله به روش توصیفی، تحلیل محتوا و اجتهادی به بررسی خلق پول در قالب قاعده اکل مال به باطل می‌پردازد. نویسندگان با بررسی دلایل ارائه‌شده در مورد نامشروع‌بودن خلق پول و بررسی تطبیقی آن با قاعده اکل مال به باطل نشان می‌دهند خلق پول در مسیر سالم آن مصداق اکل مال به باطل نیست. سوء مدیریت خلق پول و عدم رعایت قوانین و استانداردهای حاکم بر سلامت بانکی باعث شبهه حرمت فقهی خلق پول گردیده است و ارتباطی به ماهیت این پدیده ندارد.

واژگان کلیدی: بانک، بانکداری اسلامی، خلق پول، اعتبار، اکل مال به باطل.

طبقه‌بندی JEL: A13, E50, E51, Z12

*. این مقاله مستخرج از رساله دکتری مهدی خوش اخلاق است.

Email: hadiarabi@gmail.com *. دانشیار دانشکده علوم اقتصادی دانشگاه قم (نویسنده مسئول).

Email: saeed.farahanifard@gmail.com **. استاد دانشکده علوم اقتصادی دانشگاه قم.

***. دانشجوی دکتری علوم اقتصادی دانشکده علوم اقتصادی دانشگاه قم.

Email: khoshakhlagh_mehdi@yahoo.com

مقدمه

خلق پول فرایندی است که طی آن، عرضه پول یک کشور یا یک منطقه اقتصادی یا پولی افزایش می‌یابد. خلق پول می‌تواند به صورت درونی و بیرونی انجام شود. در نظام پولی بانک‌های تجاری اقدام به خلق اعتبار و نقدینگی می‌کنند. طبق نظریه مدرن بانکداری، بانک‌ها به این دلیل وجود دارند که دو نقش اصلی را در اقتصاد ایفا می‌کنند: نقدینگی و تبدیل ریسک. تجزیه و تحلیل نقش بانک‌ها در ایجاد نقدینگی و در نتیجه تحریک رشد اقتصادی پیشینه‌ای طولانی دارد که به *آدام اسمیت* برمی‌گردد (Berger, 2007, p.1) سیستم متعارف بانکی از ابزار اعتبارآفرینی برای کسب درآمد و کنترل بازار پول استفاده کرده، بانکداری تجاری اساساً تجارت پول برای تأمین نیازهای مالی کوتاه‌مدت صنعت و تجارت است.

خلق پول -چه به صورت بیرونی و چه به صورت درونی- یکی از مباحث مهم هر نظام پولی و مالی است. این موضوع به یک مناقشه اصلی در بین اندیشمندان اقتصاد اسلامی تبدیل شده و نظریه‌ها و ایده‌های متفاوتی در خصوص آن ارائه گردیده است. یکی از مناقشه‌های مهم در خصوص خلق پول مشروعیت فقهی این پدیده پولی است. بعضی از مراجع معظم تقلید نیز این کار را حرام دانسته‌اند. مهم‌ترین دلیل ارائه‌شده در خصوص حرمت این فرایند بانکی تطبیق آن با قاعده اکل مال به باطل است.

در نظام اقتصادی اسلام باید ماهیت خلق پول بررسی و محدودیت‌های آن استخراج شود. اما آنچه در این نوشتار به طور جدی مورد بحث قرار می‌گیرد، جنبه‌های فقهی این موضوع در قالب قاعده اکل مال به باطل است. ضرورت بحث از آنجا نشئت می‌گیرد که این نوشتار بتواند به روشن شدن جنبه‌های فقهی موضوع کمک نماید. در این نوشتار بعد از طرح و تبیین مسئله خلق پول به تبیین قاعده اکل مال به باطل می‌پردازیم. در مهم‌ترین قسمت مقاله به تطبیق قاعده اکل مال به باطل و خلق پول پرداخته خواهد شد. جنبه‌هایی که می‌تواند این فرایند را تحت قاعده اکل مال به باطل قرار دهد، احصا و بررسی گردیده است.

لازم است به این نکته مهم اشاره شود که مقاله با این پیش‌فرض به بررسی خلق پول درونی می‌پردازد که از قوانین بانکداری بدون ربا و قوانین بانک مرکزی در خلق پول و

پرداخت تسهیلات تخطی صورت نگیرد. بدیهی است تخلفات بانک‌های تجاری متفاوت از ماهیت پدیده خلق پول است. انجماد بالای دارایی‌های بانکی در املاک و مستغلات، بدهی بالای بانک‌ها به بانک مرکزی، انباشت مطالبات غیر جاری در پرتفوی بانک‌ها، نرخ پایین کفایت سرمایه شبکه بانکی، تعدد بانک‌ها و رقابت ناسالم آنها در بازار سپرده، ضعف در نظارت توسط مقام ناظر، نقص نظام حسابرسی و گزارشگری مالی کارآمد از مواردی است که خلق پول را از مسیر سالم آن خارج خواهد کرد.

استناد به برخی پیامدها نشان از تحلیل در فضای تخلف از قوانین است. این تخلفات هرچند ممکن است مشروعیت فقهی این پدیده را مخدوش کند، ارتباطی با حکم اولی این پدیده ندارد. تأکید بر این نکته از آن جهت اهمیت دارد که برخی از بررسی‌های انجام شده بدون تفکیک خلق پول در مسیر سالم آن با خلق پولی که در آن انحراف وجود دارد، صورت می‌گیرد و با توجه به این انحرافات حکم به حرمت فقهی خلق پول می‌شود؛ به عبارت دیگر تخلفات و انحرافات صورت گرفته به ماهیت این پدیده نسبت داده می‌شود که می‌تواند نتایج گمراه‌کننده‌ای را در تحلیل فقهی به همراه داشته باشد.

پیشینه تحقیق

پژوهش‌ها در خصوص خلق پول را می‌توان به چند دسته تقسیم کرد. گروهی از پژوهش‌ها در خصوص خلق پول مخالف هر گونه خلق پول توسط بانک‌های تجاری است. *داوودی* و *محقق* (۱۳۸۷) معتقدند این نوع بانکداری می‌تواند در برخی موارد، همخوانی بیشتری با اصول مورد نظر اسلام در بانکداری داشته باشد. *حسینی دولت‌آبادی* (۱۳۹۷) نیز معتقد به نفی کلی خلق پول توسط بانک‌های تجاری است. *احمد و اسماعیل* (۲۰۱۷م) عقیده دارند در سیستم ذخیره کامل می‌توان از بی‌عدالتی و ربا جلوگیری کرد. *الجرحی* (۲۰۰۴م) نیز بانکداری محدود را دارای محسناتی می‌داند و معتقد است این شیوه با بانکداری اسلامی شباهت زیادی دارد.

هدف دسته‌ای از مقالات، بررسی فرایند خلق پول و ماهیت بانک است. این مقالات نشان می‌دهند بانک واسطه مالی نیست و نهاد خلق پول است. *دولت‌آبادی* (۱۳۹۵) نشان می‌دهد ماهیت بانک یک نهاد واسطه مالی نیست، بلکه بانک نهاد خلق پول یا یک نهاد خلق اعتبار

است. در مقاله کمیجانی و همکاران (۱۳۹۷) دیدگاه «خلق پول انفرادی» به عنوان دیدگاه صحیح تبیین می‌گردد. سبحانی و جعفری‌نژاد (۱۳۹۳) نشان می‌دهند که بانک با گرفتن وثیقه‌های گوناگون و تبدیل اعتماد به اطمینان، برای افراد خلق اعتبار کرده، سپس با پولی کردن این اعتبار به افراد وام می‌پردازد.

دسته بعدی مقالات به بررسی آثار و نتایج خلق پول پرداخته‌اند. مجاهدی مؤخر و همکاران (۱۳۹۰) بیان می‌کنند که بانکداری ذخیره جزئی در بستر خلق اعتبار، همواره سودی سرشار از فعالیت وام‌دهی دریافت می‌کند. این در حالی است که جامعه باید هزینه این سود سرشار را تحمل کند. صمصامی و همکاران (۱۳۹۲) نتیجه می‌گیرند که افزایش نرخ ذخیره قانونی موجب کاهش هزینه اجتماعی و بی‌ثباتی در اقتصاد می‌شود. صمصامی و کیانپور (۱۳۹۴) نشان می‌دهند خلق پول به «بی‌ثباتی اقتصادی»، «عدم ایفای تعهد» و «اکل مال به باطل» منجر می‌شود. سبحانی و درودیان (۱۳۹۵) خلق انعطاف‌پذیر پول به وسیله نظام بانکی را به جهت اتکا به امتیازات تبعیض‌آمیز و همچنین آثار توزیعی منفی با عدالت‌ناسازگار می‌دانند. عیسوی و همکاران (۱۳۹۸) نشان می‌دهند ایرادهایی که به خلق پول در اقتصاد اسلامی وارد است، عبارت‌اند از: بی‌ثباتی اقتصادی، فقدان عدالت اجتماعی، کاهش رشد اقتصادی و عدم ایفای تعهد بازپرداخت سپرده‌ها توسط بانک‌ها. خسروی و ندری (۱۳۹۹) معتقدند خلق پول، چه در نظام بانکداری متعارف و چه در نظام بانکداری اسلامی، بازاری تحت عنوان بازار ذخایر ایجاد می‌نماید که نرخ آن به هیچ وجه به بخش واقعی مرتبط نیست.

دسته‌ای از مقالات به بررسی جنبه‌های فقهی خلق پول پرداخته‌اند. نور (۲۰۰۰م) خلق پول را اکل مال به باطل می‌داند. دلیل او بر این مسئله ناتوانی بانک‌ها در هنگام هجوم سپرده‌گذاران است. عالی‌پناه و تاج‌نگرودی (۱۳۹۶) خلق پول را مصداق اکل مال به باطل و غصب می‌دانند. اکبری و همکاران (۱۳۹۹) معتقدند خلق پول در نظام بانکی، غصب نیست و بر اساس قواعد عمومی بی‌اشکال به نظر می‌رسد. خوش‌نقش (۱۴۰۰) خلق پول را مصداق اکل مال به باطل می‌داند.

یکی از مهم‌ترین پیش‌نیازهای اجرای فرایند خلق پول در بانکداری اسلامی تطبیق آن با مبانی فقهی با روش اجتهادی است؛ از طرف دیگر یکی از مهم‌ترین مبانی فقهی در این زمینه قاعده اکل مال به باطل است که این مقاله می‌کوشد با بررسی تطبیقی این قاعده و فرایند

خلق پول به تبیین بهتر فقه این پدیده بانکی بپردازد. مزیت این مقاله بررسی خلق پول از تمامی جنبه‌هایی است که می‌تواند با قاعده اکل مال به باطل تطابق داشته باشد. این بررسی با تبیین قاعده اکل مال به باطل و تعیین قلمرو گسترده برای این قاعده انجام می‌شود.

تبیین مسئله

خلق پول درونی توسط بانک‌های تجاری صورت می‌گیرد. اگر بانک‌ها فقط واسطه مالی یا واسطه وجوه باشند یا به عبارت دیگر فعالیت بانک جمع‌آوری سپرده‌ها از یک شخص و قرض دادن به شخص دیگری باشد، به نحوی که مجموع پس‌اندازها برابر با سرمایه‌گذاری قرار گیرد، خلق پول و اعتباری صورت نمی‌گیرد؛ اما بانک‌ها تنها واسطه مالی نیستند. آنها با ضرایب فزاینده پولی اقدام به خلق پول تجمعی می‌کنند. فرایند خلق پول با سپرده‌گذاری در بانک آغاز می‌شود. در این رویکرد وام‌دهی بانک‌ها متوقف بر سپرده‌گذاری است و نرخ ذخیره قانونی نقش اساسی در قدرت خلق پول دارد؛ به عبارت دیگر خلق پول دستاورد تعامل میان همه بانک‌ها و برآیند ذخیره جزئی است، ولی امکان خلق پول را برای تک‌تک بانک‌ها نفی می‌کند. بانک تنها زمانی می‌تواند وام دهد که قبل از آن، پول پر قدرت بانک مرکزی را جذب کرده باشد و با تکرار وام‌دهی مجدد توسط بانک‌ها، پول در مجموعه شبکه بانکی خلق می‌شود.

اشکال این شیوه آن است که در بسیاری موارد خلق نقدینگی توسط بانک‌ها پیش از خلق پول توسط بانک مرکزی رخ می‌دهد؛ به عبارت دیگر ممکن است خلق پول توسط بانک تجاری علت خلق پایه پولی شود و الزامی برای رخداده سپرده‌گذاری و وام‌دهی متوالی برای خلق پول بانک‌ها وجود ندارد؛ بنابراین دیدگاه خلق پول انفرادی مطرح می‌گردد. بر اساس این نظریه بانک می‌تواند مستقلاً اقدام به خلق پول جدید در اقتصاد کند. سؤال این است که در سه دیدگاه بیان‌شده کدام یک با واقعیت تطابق دارد. ورنه با در نظر گرفتن واقعیت تجربی همسو با روش استقرایی ثابت می‌کند که بانک‌ها به صورت جداگانه از هیچ پول ایجاد می‌کنند (Werner, 2014, p.1).

در بانک‌های اسلامی نیز خلق پول صورت می‌گیرد. با مراجعه درخواست‌کننده تسهیلات برای دریافت تسهیلات مانند مرابحه، بانک اقدام به خرید نقدی کالا برای متقاضی تسهیلات

می‌کند. بانک قیمت کالا را به حساب فروشنده واریز می‌کند و او را در ترازنامه بانک طلبکار می‌کند؛ از طرف دیگر متقاضی تسهیلات را به مبلغ اصل تسهیلات به اضافه سود مباحه بدهکار می‌کند. تفاوت این دو مبلغ سود بانک از خلق پول یا ارائه تسهیلات است و ترازنامه بانک به اندازه تسهیلات افزایش می‌یابد. فروشنده ممکن است مبلغ را در حساب خود نگهداری کند یا به حساب شخص دیگری انتقال دهد. اگر این انتقال به حساب شخص دیگری در همان بانک باشد، خلق پول مانند حالت قبل که پول در حساب نگهداری می‌شود، ادامه می‌یابد؛ اما اگر به بانک دیگری انتقال یابد، پول خلق شده امحا یا با پول خلق شده بانک مقصد تهاتر می‌گردد.

آیا در خلق پول بانک‌ها از دید فنی هیچ حد و مرزی برای افزایش یک‌باره و ناپیوسته وام‌ها و سپرده‌های خود ندارند و می‌توانند با خلق هم‌زمان سپرده و وام، ترازنامه خود را منبسط کنند؟ هرچند دیدگاه خلق پول انفرادی با واقعیت تطابق دارد، این دیدگاه به معنای عدم محدودیت بانک در خلق پول نیست. ذخیره قانونی ابتدایی‌ترین محدودیت بانک‌ها در خلق پول است. بانک‌ها در مرحله سپرده‌گیری بخشی از سپرده‌ها را نزد بانک مرکزی نگهداری و از دور خارج می‌کنند و باقیمانده سپرده‌ها را به عنوان تسهیلات به وام‌گیرندگان اعطا می‌کنند. به این ترتیب بانک‌ها از یک سو باید بابت سپرده‌های مذکور مبالغی را به عنوان سود بپردازند؛ ولی نمی‌توانند بابت بخشی از آن که به صورت ذخیره قانونی نگه داشته‌اند، کسب عایدی کنند.

محدودیت دیگر بانک‌ها در خلق پول، نگهداری سپرده برای نیازهای عملیاتی است که برای تحویل اسکناس به مشتری یا انتقال به سایر بانک‌ها در صورت تقاضای انتقال موجودی حساب سپرده به بانک‌های دیگر توسط صاحب سپرده است. البته آنچه بانک‌ها برای پاسخ به نیازهای عملیاتی به عنوان ذخیره نگهداری می‌کنند، در مقابل ذخایر قانونی کمتر است (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۹۲، ص ۱۷). به عبارت دیگر هرچند بانک قادر است با اعطای تسهیلات و ایجاد سپرده، پول خلق کند، اما فرد دریافت‌کننده تسهیلات دیر یا زود آن را از حساب خود خارج کرده، بانک با کسری ذخایر مواجه خواهد شد؛ زیرا دریافت‌کننده تسهیلات، آن را در حسابش راکد نگه نمی‌دارد و آن را به بانک دیگر انتقال می‌دهد. در این صورت بانک قادر نیست بدهی خود به بانک‌های دیگر در اتاق تصفیه را با خلق پول تصفیه کند.

نسبت کفایت سرمایه محدودیت دیگری است که بانکها در خلق پول با آن روبه‌رو هستند. نسبت کفایت سرمایه یکی از نسبت‌های سنجش سلامت عملکرد و ثبات مالی مؤسسه مالی و بانکهاست. بانکها باید سرمایه کافی برای پوشش دادن ریسک ناشی از فعالیت‌های خود را داشته، مراقب باشند آسیب‌های وارده به سپرده‌گذاران منتقل نشود.

مهم‌ترین محدودیت خلق پول سوددهی و واگذاری تسهیلات است. بانک تا زمانی اقدام به پرداخت تسهیلات می‌کند که خلق پول و واگذاری تسهیلات برای بانک سودده باشد. سود بانک نیز تابع هزینه‌ها و درآمدهای بانک از خلق پول است.

نظام پولی مدرن اشاره می‌کند که در بانک مرکزی خلق پول را از طریق بانکها صورت می‌دهد. از یک سو به بانکها اجازه خلق پول داده شده و از سوی دیگر با دو ابزار سیاست‌گذاری پول و نظارت، عملکرد آن را در خلق پول مدیریت می‌کند؛ به نحوی که در این نظام هم تخصیص بهینه از سوی بانکها صورت گیرد و هم اینکه جریان خلق پول متناسب با نیاز جامعه ایجاد شده و به دست تولیدکننده برسد.

اگر قدرت خلق پول تنها به حاکمیت سپرده شود، فقط در راستای اهداف خود که منفعت سیاسی است، شروع به خلق پول خواهد کرد که آثار تورمی آن نیز معمولاً با یک وقفه زمانی دو یا سه ساله ظاهر می‌شود که عموماً به دولت بعدی منتقل می‌شود.

ضرورت دیگر برای استفاده از اعتبار بانکی در این نکته است که حجم پول و رشد آن با توجه به حجم مبادله در یک اقتصاد تعیین می‌شود؛ اما تقاضا برای پول در یک اقتصاد معمولاً الگوی فصلی دارد؛ برای مثال در کشورهای آسیای جنوبی بخش عمده تولید کشورها را کشاورزی تشکیل می‌دهد و بخش نسبتاً بیشتری به پول برای انجام معاملات در زمان برداشت نیاز است. تغییرات در حجم پول یک کشور باید از تشریفات قانونی پیروی کند و نمی‌تواند به راحتی با تغییرات فصلی کوتاه‌مدت در تقاضای پول تنظیم شود. در مقابل پول اعتباری به همان راحتی که ایجاد می‌شود، از بین می‌رود. همین انعطاف‌پذیری اعتبار است که به بانک‌های تجاری اهمیت زیادی در جوامع مدرن می‌دهد.

با توجه به مطالب بیان‌شده به نظر می‌رسد خلق اعتبار به عنوان یک ضرورت اقتصادی است. تنها اختلاف در نهاد تولیدکننده اعتبار است. بعضی پیشنهاد می‌کنند ایجاد اعتبار و وام‌دهی با ملی کردن بانکها تنها به عهده دولت باشد. به این ترتیب همه از جمله فقرا صاحب

وام و پول ایجاد شده در سیستم می‌شوند؛ همچنین از این طریق دولت می‌تواند از پول تازه ایجاد شده به روشی «دقیق» در مناطقی که برای همه مفید است، مانند ایجاد زیرساخت‌ها، مدارس، بیمارستان‌ها، رفاه اجتماعی و غیره استفاده کند (Meera, 2009, p.17).

تبیین قاعده اکل مال به باطل

ممنوعیت اکل مال به باطل یکی از ضوابط عمومی قراردادهاست. این قاعده در آیات و روایات مورد تأکید قرار گرفته است. ابتدا به یکی از آیات قرآن و معانی الفاظ آن اشاره می‌گردد. در ادامه به یکی از روایات مرتبط با بحث یعنی روایت حسن بن محبوب خواهیم پرداخت و در پایان دلالت این قاعده بررسی خواهد شد.

ترکیب «اکل مال به باطل» در چهار آیه استعمال شده است؛ اما آیه ۲۹ سوره نساء (آیه تجارت) به عنوان خاستگاه اصلی این قاعده معرفی می‌شود. در این آیه آمده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اموال یکدیگر را به باطل نخورید، مگر اینکه تجارتي باشد که با رضایت شما انجام گیرد».

اکل در این آیه کنایه از تملک یا تصرف است. در این آیه بعضی مقصود از باطل را باطل شرعی (اردبیلی، ۱۴۲۱ق، ص ۵۴۲) و بعضی باطل عرفی و عقلایی می‌دانند؛ اما باطل عرفی بر باطل شرعی ارجح است (مکارم شیرازی، ۱۴۲۵ق، ج ۱، ص ۹۳)؛ چراکه عرفی و عقلایی بودن ظاهر هر عنوانی است که در موضوع احکام اخذ شود (خمینی، ۱۴۱۰ق، ص ۱۰۱). شیخ/انصاری نیز معتقد به فهم عرف در تبیین کلمه باطل است و هر آنچه را عرف باطل بداند مصداقی از اکل مال به باطل می‌داند (انصاری، ۱۴۱۵ق، ج ۳، ص ۵۵). بنابراین هر نوع تصرف و تملک اموال دیگران که از دیدگاه شرعی یا عقلا و عرف اکل مال به باطل به حساب آید، مصداق این آیه است.

در روایات متعددی عبارت «اکل مال به باطل» به کار رفته است. بعضی از این روایات در مقام بیان مصداق‌هایی از اکل مال به باطل چون ربا (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۸، ص ۱۲۱) و قمار (همان، ج ۱۷، ص ۱۶۷) است. یکی از روایات در باب اکل مال به باطل که در مقام بیان مصداق کلی است، روایت حسن بن محبوب است که در خصوص خلق پول نیز کاربرد دارد (طوسی،

۱۴۰۷ق، ج ۶، صص ۱۸۵ و ۳۸۳ / حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۸، ص ۳۲۵). این روایت در بعضی از کتب فقهی در باب کراهت دین اختیاری آمده است (علامه حلی، ۱۴۱۳ق، ج ۵، ص ۳۶۸). علامه حلی در **مختلف** این روایت را دلیل بر لزوم تمکن از قضا در صورت استیدان ذکر کرده است (همو، ۱۴۲۰ق، ج ۲، ص ۴۴۷). بعضی از فقها مانند حلی نیز قرض گرفتن را برای کسی که دارایی یا توانایی یا ولی برای پرداخت بدهی او ندارد را جایز نمی‌دانند (حائری، ۱۴۱۰ق، ص ۳۱)؛ اما **جواهر الکلام** این روایت را در باب جواز قرض گرفتن در صورتی که توانایی بازپرداخت نداشته باشد، آورده است. این کتاب دلالت حدیث بر عدم جواز قرض را نمی‌پذیرد و حدیث را بر کراهت قرض یا قرضی که اراده بازپرداخت وجود ندارد، حمل کرده است (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۵، ص ۶۷). بنابراین در صورت عدم حمل روایت بر کراهت، می‌توان از روایت استنباط کرد که هر نوع قرض گرفتن از دیگران بدون داشتن توانایی عقلایی برای بازپرداخت و با عدم علم قرض‌دهنده به این عدم توانایی، اکل مال به باطل شمرده شده است.

در فقه مدیون‌شدن یک شخص عوامل متعددی دارد؛ مانند قرض، تلف مال دیگری، بیع، ازدواج، پرداخت حقوق خانوادگی (نفقه) و اجتماعی (کفاره، زکات، خمس، مالیات و...). بعضی از این موارد اختیاری و بعضی دیگر غیر اختیاری است. قرض و بیع نسبه یکی از مهم‌ترین موارد مدیون‌شدن شخص به صورت اختیاری است. محدودیت فقهی برای ایجاد بدهی به صورت اختیاری طبق روایت حسن بن محبوب امکان عقلایی برای بازپرداخت است. بنابراین در فقه محدودیتی به نام ایجاد دین از هیچ وجود ندارد.

قاعده اکل مال به باطل یکی از مبانی استنباط حکم شرعی در بسیاری از مسائل به‌ویژه مسائل مستحدثه است. در خصوص قلمرو اکل مال به باطل اقوال متعددی وجود دارد. موارد نهی‌شده شرعی، قراردادهای باطل، عوض باطل، غرض باطل یا مجموعی از آنها، از این موارد است. به نظر می‌رسد قلمرو قاعده محدود به موارد فوق نیست و هر موردی که شخص استحقاق دریافت آن را ندارد، شامل قاعده اکل مال به باطل می‌شود. به عبارت دیگر اکل مال به باطل یک قاعده کلی و جامع است و منشأ و مبدأ مواردی مانند ربا، رشوه، قمار، غرر و تمامی مواردی است که موجب تضییع حقوق دیگران است. رابطه این قاعده با قواعد دیگر حرمت معاملات، عمومیت قاعده اکل مال به باطل نسبت به قواعد دیگر است. بنابراین

اصطلاح اکل مال به باطل را می‌توان به دست آوردن، تملک یا تصرف اموال، منافع و حقوقی که شخص استحقاق آن را ندارد، تعریف کرد. معیار این عدم استحقاق عرف است. عبارات برخی فقها در خصوص توضیح این قاعده و موارد تطبیقی آنها نیز این ادعا را تأیید می‌کند. مقدس اردبیلی تصرفات ظالمانه و غاصبانه در اموال، تضييع حقوق ديگران، معاملات ضرری و غرری، رشوه و ربا را از موارد شرعی اکل مال به باطل به معنای عام به حساب می‌آورد (اردبیلی، ۱۴۲۱ق، ص ۴۲۷). فیاض نیز هر فعالیت اقتصادی را که در اسلام موجب تضييع حقوق ديگران و عدم اعطای فرصت به آنها در رسیدن به حقوقشان و بهره‌مندی از آنان گردد، از طرف اسلام ممنوع می‌داند (فیاضی، ۱۴۰۱ق، ص ۱۲۰). این منع فقط می‌تواند تحت قاعده اکل مال به باطل قرار گیرد. موارد استناد فقها به قاعده اکل مال به باطل نیز نشان از گستره ذکر شده برای این قاعده است؛ برای مثال در عقد شرکت دریافت نسبت سود بیشتر از سهم سرمایه تحت عنوان اکل مال به باطل قرار گرفته است (قمی، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۲۲۹). در خصوص مسئله فروش انگور به شرط تبدیل به خمر نیز برای استناد به حرمت از قاعده اکل مال به باطل استفاده شده است (انصاری، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۱۲۳). استدلال به حرمت در مسائل مستحدثه نیز نشان از عمومیت بیان شده برای این قاعده است. استناد به قاعده اکل مال به باطل برای حرمت درآمد حاصل از رانت اطلاعاتی یا شرکت‌های هرمی و بازاریابی شبکه‌ای از این موارد است. قانون نیز اکل مال به باطل را به صورت یک مفهوم گسترده بیان کرده است. اکل مال به باطل قاعده‌ای است که از آن در متون حقوقی به داراشدن بدون جهت، داراشدن غیر عادلانه و استفاده بدون جهت نیز تعبیر شده است (سلیمانی و دیگران، ۱۳۹۵، ص ۲۷).

تطبیق خلق پول و اکل مال به باطل

در بررسی فقهی خلق پول ابتدا باید به بررسی اصل اولی در خصوص فرایند خلق پول پرداخت. علما در این باره به اتفاق معتقد به «اصل فساد معاملات» شده‌اند (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۳، ص ۳۴۰/ انصاری، ۱۴۱۹ق، ج ۲، ص ۷۱۷)؛ لکن بعد از تأسیس آن اصل سراغ ادله اجتهادی رفته و با استفاده از دلایل قرآنی و روایی «اصل صحت معاملات» را اثبات کرده‌اند. بنابراین اگر معامله جدیدی ایجاد شود، اصل اولی صحت آن معامله است، مگر آنکه با قواعد عمومی

معاملات در تنافی باشد. در خلق پول نیز اصل بر صحت این فرایند بانکی است، مگر آنکه بعد از تطبیق آن با قواعد عمومی معاملات ابطال آن مشخص گردد. در تطبیق خلق پول با قاعده اکل مال به باطل به مواردی استناد شده است که به تفصیل بررسی خواهد شد.

الف) تصرف تسهیلات گیرندگان در پول‌های دریافتی مصداق اکل مال به باطل است

۴۵ بر خلاف بانکداری متعارف که اعطای تسهیلات بر اساس قرض ربوی است، در بانکداری اسلامی اعطای تسهیلات بر اساس عقود اسلامی مشارکتی و مبادله‌ای انجام می‌شود. البته فرض می‌شود تمامی شرایط این عقود از طرف بانک و مشتری رعایت می‌گردد. بنابراین اصل قرارداد اعطای تسهیلات صحیح است. پرسش بعدی امکان انعقاد قرارداد با پول خلق شده است. ممکن است اشکال شود پول خلق شده دین است (خوش‌نقش، ۱۴۰۰، ص ۸۱) و دین نمی‌تواند در قرارداد مضاربه به عنوان سرمایه قرار گیرد. در عقد شرکت نیز سرمایه باید عین باشد و با سرمایه شریک دیگر مختلط شود که این شروط در پول خلق شده به صورت بدهی محقق نمی‌شود؛ از طرف دیگر در عقد سلف نیز ثمن باید فی‌المجلس قبض شود که با دین بودن آن، امکان تحقق ندارد و به بیع دین به دین تبدیل می‌شود. بنابراین انجام این نوع عقود با پول خلق شده توسط بانک که ماهیت دین دارد، امکان‌پذیر نیست و این قراردادها باطل یا فاسد است.

در بررسی این نکته باید گفت خلق پول با اعطای تسهیلات اتفاق می‌افتد و بانک با اعطای تسهیلات برای متقاضی سپرده‌ای را افتتاح می‌کند که هر زمان امکان برداشت از آن را دارد. این اعتبار نزدیک‌ترین مفهوم به پول را دارد که تمامی احکام و شرایط آن را داراست. بنابراین تسهیلات واگذار شده ماهیت دین ندارد تا نتواند سرمایه در عقود مشارکتی یا ثمن در عقود مبادله‌ای قرار گیرد. شاهد آن است که این تسهیلات بلافاصله بعد از پرداخت توسط بانک می‌تواند به پول نقد تبدیل یا به حساب در بانک دیگری واریز شود. عرف مردم نیز پول خلق شده را دین به شمار نمی‌آورد. نکته پایانی آنکه فرض می‌شود بانک توانایی بازپرداخت متقاضی تسهیلات را ارزیابی کرده است. بنابراین متقاضی تسهیلات امکان عقلایی بازپرداخت تسهیلات را دارد و از این جهت نیز منعی برای تصرف در تسهیلات وجود ندارد.

ب) درآمد بانک از فرایند خلق پول و اعطای تسهیلات مصداق اکل مال به باطل است. مهم‌ترین اثر اقتصادی قاعده «حرمت اکل مال به باطل» منع استفاده بلاجهت از نتایج عمل دیگری است. هر گاه بر دارایی کسی بی‌سبب و به هزینه و زیان دیگری افزوده شود، استیفای بلاجهت گفته می‌شود. قانون‌گذار باید از تشکیل ثروت‌های بدون سبب مشروع پیش‌گیری کند و شخصی را که به ضرر دیگری بدون سبب مشروع دارا شده است، ملزم نماید تا اموالی را که ناروا استیفا کرده است، به مالک آن برگرداند (قاسم‌زاده، ۱۳۸۷، ص ۲۳۲). بدین ترتیب پیامد و نتیجه فعالیت اقتصادی هر شخص تنها متوجه خودش می‌شود و اشخاص نمی‌توانند بدون جهت و بدون پرداخت از آثار خارجی مثبت فعالیت دیگری سود ببرند (کسنوی، ۱۳۹۶، ص ۱۱۶).

در خلق پول توسط بانک‌ها نیز استدلال شده است که بانک با عملیات خلق پول، بهره (بانکداری متعارف) یا سود (بانکداری اسلامی) به دست می‌آورد؛ در حالی که در قبال آن هیچ‌گونه هزینه‌ای نداشته است. از این درآمد بانک به غصب نیز یاد شده است؛ چراکه بانک این درآمد را در ازای اعدادی که به مردم اعطا کرده‌اند، دریافت می‌دارد (عالی‌پناه و تاج لنگرودی، ۱۳۹۵، ص ۸۸). به تعبیر دیگر درآمدی که بانک از بازگشت تسهیلات به دست می‌آورد، اکل مال به باطل است؛ چراکه بانک در قبال این منفعت هیچ کاری انجام نداده است که مالیت داشته باشد و در ازای دریافت سود قرار گیرد.

در جواب این اشکال می‌توان گفت شغل‌های زیادی مانند واسطه‌گری وجود دارند که نقش مستقیمی در تولید کالا نداشته، منفعی که به دست می‌آورند، مصداق اکل مال به باطل نیست. در خصوص تطبیق خلق پول بانک‌ها با عناوین غصب و اکل مال به باطل نیز لازم است به ماهیت رابطه سپرده‌گذاران و گیرندگان تسهیلات با بانک در بانکداری بدون ربا توجه شود. در سپرده‌های سرمایه‌گذاری، بانک وکیل سپرده‌گذاران است. بانک برای دریافت‌کننده تسهیلات خلق اعتبار می‌کند و از این طریق منفعی به دست می‌آورد که قسمتی از این منافع متعلق به بانک و مابقی متعلق به سپرده‌گذارانی است که ذخایر مورد نیاز برای این خلق اعتبار را تأمین کرده‌اند. از طرف دیگر خلق پول برای بانک‌ها بدون هزینه نیست. هزینه دریافت و پرداخت و هزینه‌های اداری از آن جمله است. علاوه بر این سپرده‌گذاران حساب جاری از خدمات دریافت و پرداخت رایگان منتفع می‌شوند. این خدمات مطلوبیت

داشته، دارای ارزش و مالیت است. بنابراین درآمد بانک از اعطای تسهیلات بر اساس قراردادهای مشروع به دست آمده، تحت عنوان غصب و اکل مال به باطل قرار نمی‌گیرد. ممکن است این اشکال مطرح شود که درآمد بانک از خلق پول متناسب با هزینه‌های آن نیست. در صورت تحقق چنین مسئله‌ای حکمران پولی می‌تواند با ابزارهایی که در اختیار دارد، این درآمد را تعدیل نماید. علاوه بر اینکه دلیل فقهی بر حرمت درآمد غیر متناسب با هزینه وجود ندارد.

۴۷

اشکال دوم: ممکن است انتساب اکل مال به باطل به درآمد بانک از خلق پول در خصوص دیدگاه خلق پول انفرادی باشد. در این دیدگاه درآمد بانک از خلق پول انفرادی را به دلیل اینکه به امر حقیقی انتساب ندارد و از هیچ است، مصداق اکل مال به باطل می‌داند. به عبارت دیگر خلق پول انفرادی، خلق پول از هیچ است و کسب درآمد از هیچ مصداق اکل مال به باطل قرار گرفته، بانک نسبت به سود حاصل از تسهیلات در اثر خلق پول استحقاقی ندارد. در پاسخ این اشکال باید گفت کسب درآمد از اعتبار بدون داشتن سرمایه نقدی، مصداق اکل مال به باطل نیست. ممکن است تاجری با خرید نسیه کالا و فروش آن، کسب درآمد کند، بدون آنکه سرمایه نقدی داشته باشد. علاوه بر آن خلق پول برای بانک‌ها هزینه‌هایی دارد که قسمتی از درآمد بانک‌ها در قبال این هزینه‌ها قرار می‌گیرد. در فضای رقابتی برای صنعت بانکداری درآمد بانک و هزینه‌های آن متناسب با یکدیگر است.

اشکال سوم: ممکن است استدلال شود که خلق پول بانک‌ها عمل خلاف و ناکارآمد است، بنابراین درآمدی که بانک از این طریق به دست می‌آورد، تحت قاعده اکل مال به باطل قرار می‌گیرد؛ همچنین اصل حقوقی «هیچ کس نباید از عمل خلاف خویش سود ببرد» نیز از قاعده حرمت اکل مال به باطل قابل استنباط است؛ چراکه سودبردن از عمل خلاف اکل مال به باطل محسوب می‌شود. اگر عمل خلاف را رفتاری قابل اجتناب که به روشنی ناکارآمد بوده، ضرری بیش از سود به جامعه تحمیل می‌کند، در نظر گرفته شود، تحقق کارایی ایجاب می‌کند که به استناد اصل تناسب هزینه فایده از فعالیتی که هزینه‌اش از سودش بیشتر است، جلوگیری شود (کسنوی، ۱۳۹۶، ص ۱۱۹).

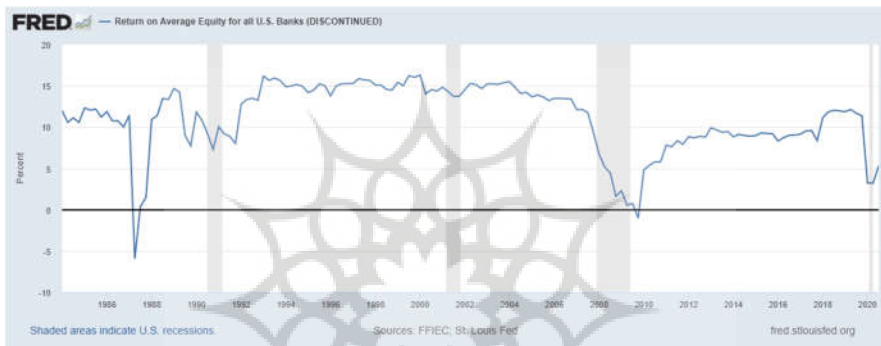
در پاسخ باید گفت خلق پول مصداق عمل خلاف نیست؛ زیرا در اعطای تسهیلات عقود شرعی مورد عمل قرار گرفته است و قوانین پولی و قانون عملیات بانکداری بدون ربا

مخالفتی با آن ندارد. هر چند در این قانون به مجاز بودن خلق پول بانکها تصریح نشده است، صراحت در جواز دریافت ذخیره قانونی جزئی نشان می‌دهد قانون بانکداری بدون ربا نظام ذخیره جزئی و خلق پول را غیر قانونی نمی‌داند، مگر اینکه بانک روند سالم خلق نقدینگی و ضوابط قانونی در خلق پول را رعایت نکند که در آن صورت عمل بانک خلاف خواهد بود. بنابراین اصل حقوقی مذکور در اینجا صادق نیست. از اصل حقوقی بیان شده نیز کارآمدی قابل استنباط نیست و اگر انجام فعل به صورت ناکارآمد موجب حرمت باشد، اعمال بسیاری از افراد و دولت‌ها، چه در امور مالی و اقتصادی و چه سایر امور، مشمول حرمت قرار می‌گیرد؛ از طرف دیگر با اثبات ناکارآمدی راه حل، عدم لحاظ هزینه آن در اجرت است و اگر ناکارآمدی دارای هزینه اجتماعی است، حاکمیت باید با دقت در روش‌های حکمرانی اصلاحات لازم را انجام دهد، نه اینکه درآمد بانک و سپرده‌گذاران مشمول حرمت قرار گیرد. از همه مهم‌تر اینکه ناکارآمد بودن خلق پول در صورتی می‌تواند به صورت مطلق موجب حکم به حرمت خلق پول باشد که ناکارآمدی به عنوان ویژگی ذاتی و غالبی این فرایند باشد؛ به گونه‌ای که در سیستم‌های حکمرانی اقتصادی مناسب نیز ناکارآمدی بروز کرده باشد. ذکر این نکته ضروری است که اگر خلق پول از محدودیت‌های تعیین شده توسط استانداردها و بانک مرکزی تجاوز کند، کار خلاف و مصداق اکل مال به باطل خواهد بود.

استدلال دیگر برای تطبیق درآمد بانک از خلق پول با قاعده اکل مال به باطل، سود زیاد بانک از این فعالیت است. برخی معتقدند بانکها به عنوان یک انحصارگر بی‌رقیب عمل می‌کنند. اگر بانکها توانایی انبساط ترازنامه و خلق پول داشته باشند، مانند یک انحصارگر بی‌رقیب بدون نگرانی از واخواهی و خروج سپرده به خلق پول می‌پردازند که در راستای منافع حداکثری بانکهاست. این اقدام بانکها سود سرشاری را برای آنها به همراه خواهد آورد؛ به عبارت دیگر بانکها از امتیاز و حق ویژه خلق پول برخوردارند که منافع درخور توجیه نصیب آنها خواهد کرد (دولت‌آبادی، ۱۳۹۶، ص ۳۳) که مطابق با فعالیت بانک نیست؛ در حالی که دیگر بخش‌های اقتصادی از چنین سودی برخوردار نیستند. بخش‌های مختلف اقتصاد با تولید کالا و خدمات سودی به دست می‌آورند که باید بخش مهمی از آن را به بانکها بپردازند.

در پاسخ این اشکال باید گفت هرچند بانکها و مؤسسات اعتباری هنوز هم بسیار سودآورند، به طوری که هر ساله بانکهای جدیدی تشکیل می‌شود، دوران خوب بانکداری سنتی و قانون ۳-۶-۳ مدت‌هاست که از بین رفته است. کارمزدها و سایر فعالیت‌های خارج از ترانزاکشن در حال حاضر تقریباً نیمی از درآمد بانک را تشکیل می‌دهند. نمودار زیر نشان‌دهنده آن است که سود بانکها در آمریکا زیاد و هنگفت نیست.

نمودار ۱: بازده متوسط حقوق صاحبان سهام برای بانکهای آمریکا



منبع: داده‌های اقتصادی فدرال رزرو <https://fred.stlouisfed.org>

همچنین رتبه بخش تأمین مالی در رتبه‌بندی ETFها در S&P نشان می‌دهد سودآوری بانکها در میان بخش‌های مختلف اقتصادی پیش‌تر است.

جدول ۱: بازدهی قسمت‌های مختلف S&P

ETF	3Y	5Y	10Y
Information technology	26.37	21.45	19.34
Healthcare	16.81	13.53	15.71

۱. قانون ۳-۶-۳ اصطلاحی عامیانه است که به یک رویه غیر رسمی در صنعت بانکداری در دهه‌های ۱۹۵۰، ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ اشاره دارد که نتیجه شرایط غیر رقابتی و ساده در صنعت بانکی بود. این قانون توضیح می‌دهد که چگونه بانکداران ظاهراً به حساب سپرده‌گذاران خود ۳ درصد سود می‌دهند، به سپرده‌گذاران با سود ۶ درصد وام می‌دهند و سپس تا ساعت ۳ بعد از ظهر گلف بازی می‌کنند.

Consumer discretionary	12.76	12.39	15.11
Benchmark S&P500	16.38	13.30	14.29
Financials	13.25	11.00	14.18
Industrials	11.45	8.97	12.76
Materials	20.11	12.36	12.08
Utilities	11.72	10.02	11.25
Consumers satples	13.17	8.52	11.16
Real state	9.91	10.24	9.94
Communication services	9.44	4.48	8.04
Energy	21.08	11.20	6.96

منبع: <http://www.lazyportfolioetf.com>

Last Update: 31 May 2022

نکته پایانی در این قسمت آنکه ایجاد فضای رقابتی و تنظیم نرخ سود بخش بانکی متناسب با سایر فعالیت‌های اقتصادی به طوری که منابع به سمت فعالیت‌های مولد هدایت شود، از جمله وظایف و اختیارات حکمران پولی است.

ج) کل فرایند خلق پول و اعطای تسهیلات به متقاضیان مصداق اکل مال به باطل است در خصوص اکل مال به باطل بودن کل فرایند خلق پول، دلایلی ذکر شده است که در زیر مورد بررسی قرار خواهیم داد:

اول: عدم امکان بازگرداندن سپرده‌ها: در حساب پس‌انداز عین وجوه واریزی به این حساب به تملک بانک درمی‌آید و بانک معادل وجوه دریافتی، مدیون صاحب حساب می‌شود؛ بنابراین صاحب حساب حق خواهد داشت در هر زمان و به هر نحو از جمله با صدور چک، عین وجوه واریزی خویش را از بانک مطالبه کند. در قرارداد سرمایه‌گذاری نیز بانک وکیل سپرده‌گذاران است و نمی‌تواند بر خلاف مصالح آنان عمل نماید، به نحوی که امکان دریافت سپرده وجود نداشته باشد.

در نظام بانکداری ذخیره جزئی اگر تمام سپرده‌گذاران برای دریافت پول خود مراجعه کنند، بانک نمی‌تواند جواب‌گوی آنان باشد، لذا بانک ورشکسته می‌شود (عیسوی، ۱۳۹۸، ص ۱۸۶). ناتوانی بانک‌ها در پاسخ‌گویی هنگام هجوم سپرده‌گذاران فرایند خلق پول را مصداق

اکل مال به باطل قرار می‌دهد (Anwar, 2000, p.14). طبق روایت حسن بن محبوب نیز ایجاد بدهی بدون توانایی پرداخت مصداق اکل مال به باطل است. بنابراین اقدامات بانک تحت عنوان خلق پول، مصداق اکل مال به باطل و حرام خواهد بود. صرف نظر از روایت، تعهد و التزام به امری که به طور معقول امکان وفای به آن وجود ندارد، باطل است؛ زیرا این تعهدات از اراده جدی ناشی نمی‌شود و اساساً تعهد و التزامی صورت نگرفته است؛ لذا تصرفات مبتنی بر چنین امری باطل خواهد بود. بنابراین فرایند خلق پول باطل عرفی است و مصداق اکل مال به باطل است.

در پاسخ این اشکال باید گفت طبق روایت حسن بن محبوب نیز آنچه باعث صدق عنوان اکل مال به باطل می‌شود، عدم توانایی معقول در بازپرداخت حتی در آینده است که خلق پول تحت عنوان ذکر شده قرار نمی‌گیرد؛ از طرف دیگر عدم توانایی در بازپرداخت باید به عنوان عدم توانایی معقول در ایفای تعهد تفسیر شود. بنابراین به‌کارگیری درست منابع و اعطای تسهیلات بر اساس روش‌های دقیق اعطای اعتبار، مصداق توانایی معقول است. این امر در مورد بیمه نیز وجود دارد و اگر همه بیمه‌گذاران دچار خسارت شوند، بیمه توانایی ایفای همه تعهدات را ندارد؛ اما عرف و عقلا این عدم توانایی را مصداق عدم توانایی معقول به حساب نمی‌آورد. از این عبارت مشخص می‌شود شرط خلق اعتبار توسط بانک و عدم صدق اکل مال به باطل، مدیریت خلق اعتبار به گونه‌ای است که سپرده‌گذاران به صورت منطقی توانایی دریافت سپرده خود را داشته باشند.

دوم: امانت بودن سپرده‌ها: وجه دیگر تطبیق خلق پول و اکل مال به باطل امانت بودن سپرده‌هاست. برخی حقوقدانان ماهیت سپرده‌های بانکی را ودیعه یا امانت می‌دانند (علیشاهی، ۱۳۹۲، ص ۲۷). برخی اقتصاددانان مسلمان نیز سپرده‌های جاری را به مفهوم دقیق کلمه، ودیعه شرعی می‌دانند. امین متعهد است از مال امانتی محافظت نماید، از آن استفاده نکند و عین مال امانی را به مالک برگرداند. بنابراین اگر سپرده‌های جاری نزد بانک امانت باشد، بانک نمی‌تواند در امانت تصرف کند و اگر تصرف کند، مصداق اکل مال به باطل قرار می‌گیرد. نتیجه این دیدگاه ذخیره صددرصدی در حساب جاری یا همان بانکداری محدود است.

در پاسخ باید گفت امانی یا غیرامانی بودن سپرده‌های دیداری به قرارداد منعقد شده بین بانک و مشتری بستگی دارد. بر خلاف نظرات بیان شده، در عملیات بانکداری بدون ربا

سپرده‌های قرض‌الحسنه پس‌انداز و دیداری در قالب قرض صورت می‌گیرد و در قرض هر نوع تصرف قرض‌گیرنده صحیح است. در متن قانون نیز این سپرده‌ها «قرض» نامیده شده است تا تردیدی در ماهیت آنها باقی نماند. سپرده سرمایه‌گذاری نیز در قالب وکالت صورت می‌گیرد و صورت شرعی امانت ندارد.

سوم: ایجاد سپرده بدون مابازا: بانکها در فرایند خلق پول، سپرده‌ای را ایجاد می‌کنند که فی نفسه مابازایی نداشته، صرفاً با عملیات ترازنامه‌ای خلق می‌شود (عالی‌پناه و تاج لنگرودی، ۱۳۹۵، ص ۸۶). به عبارت دیگر سرمایه‌ای وجود ندارد که بانک به وسیله آن معامله می‌کند. منظور از سرمایه‌ای که مابازایی ندارد، خلق اعتبار برای دارنده سپرده است. بانک از ایجاد اعتبار برای مشتری کسب درآمد می‌کند؛ به عبارت دیگر در خلق پول بانک پولی را که وجود ندارد، در ذهن تسهیلات‌گیرنده به گونه‌ای وانمود می‌کند که در حسابش واریز شده است و او را می‌فریبد؛ چراکه مالی را که وجود ندارد، برایش فرض وجود می‌کند (توسلی، ۱۳۹۷). بنابراین اعطای تسهیلات از طریق خلق پول مصداق فریب دریافت‌کننده تسهیلات است. از طرف دیگر قراردادی که موجب فریب دیگران شود، مصداق قاعده اکل مال به باطل قرار می‌گیرد.

در پاسخ باید گفت خلق اعتبار در معاملات افراد نیز دیده می‌شود. افراد با اعتبار یا چک اقدام به خرید کالا می‌کنند. با همین استدلال بانک اسلامی می‌تواند با ابزار خلق پول مواد اولیه را از فروشنده بخرد و به متقاضی به صورت مرابحه بفروشد؛ به عبارت دیگر بانک بر اساس اعتباری که از قانون یا خوش‌نامی به دست آورده است، اقدام به خلق اعتبار می‌کند. در جریان خلق پول، اعتباری ایجاد می‌شود که هر زمان قابلیت تبدیل به پول نقد را دارد؛ هرچند ممکن است به واسطه عدم استفاده یا انتقال به حساب شخص دیگری در همان بانک این اعتبار تا مدت طولانی به پول نقد تبدیل نشود. بدیهی است هر زمان دریافت‌کننده تسهیلات متقاضی وجه نقد یا انتقال به حساب در بانک دیگر را داشته باشد، از حالت اعتبار صرف خارج می‌شود؛ از طرف دیگر فریب یا تدلیس عبارت است از پوشاندن عیبی در مال یا نمایاندن یک صفت یا امتیاز غیر واقعی در مال. بانک متعهد است در هر زمان وجه را به صورت نقد پرداخت کند یا به حساب دیگر انتقال دهد. بنابراین دریافت‌کننده تسهیلات دسترسی کامل به مقدار تسهیلات دارد و متحمل ضرر و زبانی نمی‌شود تا مورد فریب و

تدلّیس قرار گیرد. نتیجه آنکه خلق اعتبار توسط بانک مصداق فریب نیست تا تحت قاعده اکل مال به باطل قرار گیرد.

چهارم: حقوق مالکیت خصوصی مخالف خلق پول: برخی اشکال کرده‌اند که بانکداری ذخیره جزئی به اصل مالکیت خصوصی خدشه وارد می‌کند و بانک حق ندارد با خلق پول و اعطای تسهیلات، حقوق مالکیت را نقض کند. استدلال برای نقض مالکیت خصوصی به این صورت است که عقد وکالت با ماهیت خلق پول در تضاد است؛ زیرا وقتی بانک سپرده‌ای را به عنوان تسهیلات واگذار می‌کند، مبلغ تسهیلات جزو دارایی‌های دریافت‌کننده تسهیلات به شمار می‌آید؛ در حالی که این مبلغ به سپرده‌گذار تعلق دارد؛ به عبارت دیگر دو نفر خود را مالک مبلغ مذکور می‌دانند. نتیجه آنکه دو نفر مالک یک دارایی‌اند (بخشی دست‌جردی، ۱۳۹۳، ص ۱۵). عرف قراردادی را که باعث نقض حقوق مالکیت شود، مصداق قرارداد باطل می‌داند؛ از طرف دیگر نقض حقوق مالکیت، تضييع حقوق دیگران و از مصادیق قاعده اکل مال به باطل است. به نظر می‌رسد تعریف مورد نظر این دیدگاه از مالکیت دوگانه، مالکیت همزمان دو نفر بر یک دارایی است؛ البته نه به صورت مشاع و سهمی. به عبارت دیگر سپرده‌گذار در عین پرداخت تسهیلات از مبلغ سپرده‌گذاری شده توسط او به بانک مراجعه و سپرده خود را دریافت می‌کند. پس هم سپرده‌گذار و هم دریافت‌کننده تسهیلات، مالک یک دارایی‌اند.

در پاسخ باید گفت پرداخت تسهیلات از عین مبلغ سپرده‌گذاری در بانک نیست تا این اشکال مطرح شود. بانک سپرده‌های مشتریان را در یک استخر قرار می‌دهد. از آنجا که عین پول سپرده‌گذار موضوعیت ندارد، زمانی که سپرده‌گذار برای دریافت سپرده مراجعه می‌کند، بانک سپرده مشتری را از استخر دارایی پرداخت می‌کند و در واقع پول سپرده‌گذار دیگری در مسیر تسهیلات قرار می‌گیرد. به عبارت دیگر بانک به عنوان واسط تضمین کرده است که در صورت مراجعه مشتری، سپرده او را از سایر منابعی که در اختیار دارد، بپردازد. شایان ذکر است منابع بانک می‌تواند از محل سپرده‌های جاری و پس‌انداز قرض‌الحسنه نیز انجام شود. در این سپرده‌ها بانک مالک است و مالکیت دوگانه در این نوع سپرده‌ها مطرح نمی‌شود.

پنجم: تورم‌زا خلق پول: اگر معامله یا قراردادی باعث ضرر به دیگران و تزییع حقوق آنها شود، تحت عنوان اکل مال به باطل قرار می‌گیرد. تورم به افراد دارای درآمدهای پولی ثابت ضرر می‌زند و از قدرت خرید آنان می‌کاهد و نابرابری را افزایش می‌دهد. اگر خلق پول با پیامد تورم همراه شود، مصداق اکل مال به باطل قرار می‌گیرد.

بعضی معتقدند خلق پول بانک‌ها باعث تورم می‌شود و کاهش قدرت خلق پول بانک‌ها منجر به ثبات عرضه پول، ثبات سطح قیمت‌ها و هزینه‌های تولید در درازمدت می‌گردد؛ به این بیان که تسهیلاتی که سرمایه را افزایش می‌دهد، مدتی طول می‌کشد تا به تولید برسد و عرضه واقعی را افزایش دهد؛ اما طرف تقاضا را بدون وقفه افزایش می‌دهد و از آنجایی که وام بانکی در برابر یک واحد عرضه چندین برابر تقاضا ایجاد می‌کند، همیشه درآمد طرف تقاضا بیشتر از درآمد طرف عرضه خواهد بود و با وجود خلق پول بانکی درآمد طرف عرضه نمی‌تواند همپای طرف تقاضا رشد کند و این امر خود سبب افزایش قیمت‌ها خواهد بود. با افزایش نرخ ذخیره قانونی به صددرصد قدرت وام‌دهی بانک‌ها از محل این نوع سپرده به طور کامل حذف می‌شود و با اعمال این سیاست شاهد کاهش سطح قیمت‌ها و بهبود شرایط دیگر متغیرهای اصلی مدل از جمله عرضه پول و هزینه‌های تولید در بلندمدت خواهیم بود (بخشی و دیگران، ۱۳۹۹، ص ۱۳۵).

هرچند نقش خلق پول بانک‌ها در ایجاد نقدینگی و افزایش آن روشن است، می‌توان بدون حذف آن، تورم را کاهش داد و از منافع خلق پول بهره‌مند شد. به عبارت دیگر تسهیلات در سیستم بانکی را می‌توان به گونه‌ای مدیریت کرد که طرف تقاضا از طرف عرضه پیش نیفتد یا اینکه تورم حاصل از فاصله آنها به میزانی باشد که با نرخ تورم هدف سیاست‌گذار مطابق باشد. از طرف دیگر در نظام بانکداری نوین هرچند امکان خلق پول درونی به میزان گسترده به شبکه بانکی داده می‌شود، بانک مرکزی مستقل و با ابزارهای متنوع وجود دارد تا اجازه ندهد خلق پول بانک‌ها به ایجاد تورم بینجامد (عربی و میثمی، ۱۳۹۶، ص ۱۲۴).

استدلال دیگر برای تورم‌زایی بودن خلق پول به‌خصوص خلق پول انفرادی، تأمین منابع و ذخایر آن از پایه پولی است که باعث افزایش پایه پولی یا پول پر قدرت می‌گردد. افزایش پایه پولی رابطه مستقیمی با تورم دارد و تورم باعث تزییع حقوق دیگران و تطبیق خلق پول انفرادی بر اکل مال به باطل می‌گردد. این استدلال نیز نمی‌تواند باعث تطبیق خلق پول بر

اکل مال به باطل گردد. اگر در سیستم بانکداری مرکزی سیاست گذاری بانک مرکزی بر مبنای هدف گذاری نرخ بهره یا در بانکداری اسلامی هدف گذاری نرخ سود انجام شود، لازمه آن، اعطای تسهیلات به متقاضیان در نرخ هدف گذاری شده است. بنابراین خلق پول در راستای سیاست گذاری پولی بانک مرکزی است و بانک مرکزی باید با اتخاذ نرخ سود سیاستی مناسب تورم را در مقدار مطلوب کنترل نماید.

۵۵ از آنچه گذشت، مشخص می شود تلازمی بین خلق پول و تورم وجود ندارد. وجود نظام های پولی متعدد مشتمل بر خلق پول درونی و در عین حال تورم بسیار پایین شاهی بر این مسئله است. یکی از این کشورها ژاپن است. در این کشور هر چند نرخ ذخیره قانونی پایین است و خلق پول درونی انجام می گیرد، تورم در حد بسیاری پایینی قرار دارد.

ششم: ربا و خلق پول: یکی از اصول عمومی معاملات ممنوعیت ریاست؛ اما معاملات ربوی تحت عنوان اکل مال به باطل قرار می گیرد. در روایتی از امام رضا 7 نیز زیاده حاصل از ربا به عنوان باطل معرفی شده است (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۸، ص ۱۲۱). بعضی معتقدند خلق پول اعتباری جدید متأثر و مرتبط با کارکرد نرخ بهره به عنوان قیمت نگهداری پول و پاداش به تأخیر انداختن مصرف به دوره بعد است (سبحانی و ملکی، ۱۳۹۲، ص ۱۹). پول خلق می شود تا بهره گرفته شود و با توجه به تعریف ربا یعنی قرض دادن مشروط به اضافه، خلق پول اساساً رباست؛ از طرف دیگر لازمه نرخ بهره اسمی صفر آن است که رشد پول منفی باشد و با خلق پول توسط سیستم بانکی نرخ بهره صفر نمی شود.

هر چند خلق پولی که در بانکداری متعارف صورت می گیرد منجر به قرض ربوی می شود، تجربه بانکداری اسلامی نشان داد خلق پول می تواند بدون تحقق ربا و در قالب عقود مبادله ای و حتی مشارکتی صورت گیرد. از طرف دیگر بانک اسلامی باید در ارتباط با بخش واقعی باشد و رشد منفی پول همواره درست نیست، بلکه ممکن است بخش واقعی نیاز به رشد مثبت پول داشته باشد. در این صورت نرخ سود در بانکداری نشان دهنده نرخ بازدهی در بخش واقعی است و تلازمی با نرخ بهره اسمی صفر ندارد. نکته دیگر آنکه در صندوق های قرض الحسنه که هیچ گونه سود و بهره ای دریافت نمی شود نیز خلق پول اتفاق می افتد.

هفتم: خلق اعتبار توسط بانک ها عملی نامشروع و کسب درآمد از آن مصداق اکل مال به باطل: ممکن است استدلال شود ماهیت خلق اعتبار توسط بانک مشروعیت فقهی ندارد.

علت عدم مشروعیت، تشبیه این فرایند به صدور چک از طرف دوستان و آشنایان بدون مبادله کالا یا خدمات است. به نظر فقهای که قایل به مشروعیت بیع دین اند، تنزیل این چک صحیح نیست؛ چراکه دین واقعی نیست. در اینجا نیز بانک با خلق اعتبار، یک دین صوری ایجاد می‌کند. بعضی دیگر ایجاد اعتبار را به انتشار پول تقلبی تشبیه کرده‌اند. هر دو مورد تلاش دارند نشان دهند اصل ایجاد اعتبار توسط بانک دارای مشروعیت فقهی نیست.

مشروعیت بیع نسبه در فقه نشان می‌دهد اصل ایجاد اعتبار با مانع فقهی روبه‌رو نیست. آنچه باید بررسی شود، ایجاد اعتبار توسط بانک است. به دو روش می‌توان به اثبات مشروعیت فقهی ایجاد اعتبار در بانک پرداخت: نخست آنکه اثبات شود در ایجاد اعتبار توسط بانک، موضوع همان موضوع ایجاد اعتبار در عقودی مانند بیع نسبه است و تغییری در موضوع ایجاد نشده است.

توضیح آنکه در استنباط احکام شرعی، گاه موضوع یا حالات و شرایط موضوع دچار تغییر می‌شود که دگرگونی در حکم را در پی دارد. تغییراتی که در ذات، وصف یا عنوان موضوع پدید می‌آید، منجر به تغییر احکام خواهد شد؛ مثل تغییر در وصف خمر و تبدیل شدن آن به سرکه که موجب تبدیل شدن حکم حرمت خمر به حرمت سرکه می‌شود. چنین تغییری در ایجاد اعتبار بانکی نسبت به ایجاد اعتبار توسط عقودی مانند بیع نسبه وجود ندارد. بنابراین همان حکم ایجاد اعتبار توسط بیع نسبه برای ایجاد اعتبار توسط بانک جاری است.

روش دوم برای بررسی فقهی ایجاد اعتبار توسط بانک، بررسی مالیت فقهی اعتبار ایجاد شده است. با اثبات مالیت برای اعتبار ایجاد شده، مشروعیت ایجاد اعتبار بانکی اثبات خواهد شد.

تقریباً تمامی فقها اتفاق نظر دارند که ملاک مال بودن «وجود نفع عقلایی در شیء» و به تعبیر دیگر وجود «منفعت محله مقصوده» است. هر چند درباره اینکه نفع عقلایی چیست، نظر واحدی وجود ندارد (عربی و میثمی، ۱۳۹۶، ص ۸۹). روشن است نفع عقلایی، چه به صورت نفع شخصی، نوعی یا ذهنی، در ایجاد اعتبار بانکی وجود دارد. منفعت محله مقصوده برای اعتبار خلق شده توسط بانک نیز صادق است. اثبات مالیت فقهی برای اعتبار خلق شده نشان می‌دهد تشابه صورت گرفته بین خلق اعتبار و چک دوستانه یا پول تقلبی صحیح نیست. نکته پایانی آنکه برخی فقها مانند مدرسی یزدی در کتاب **فقه رمزارزها** مالیت و بیع اعتبار ایجاد شده توسط رمزارزها را می‌پذیرند (مدرسی طباطبائی یزدی، ۱۴۰۰)؛ رمزارزهایی

مانند بیت‌کوین که هیچ‌گونه نظارت دولتی بر آن نیست و در معرض ریسک‌های متفاوتی قرار دارد. اگر اعتبار ایجادشده توسط رمزارز مورد پذیرش قرار گیرد، خلق اعتبار بانکی به طریق اولویت دارای مشروعیت فقهی است.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

خلق پول به عنوان یکی از مهم‌ترین فرایندهای نظام پولی مورد نقد و بررسی‌های متعددی قرار گرفته است. یکی از این جنبه‌ها بررسی این فرایند از منظر فقه اسلامی است؛ از طرف دیگر یکی از اشکالات جدی در خصوص خلق پول تطبیق آن با قاعده اکل مال به باطل است. این اهمیت، نویسندگان را بر آن داشت تمامی جنبه‌هایی را که قاعده اکل مال به باطل می‌توانست با فرایند خلق پول تطبیق نماید، احصا و بررسی کنند. بدین منظور ابتدا این قاعده مهم فقهی، مستندات و قلمرو آن بررسی گردید. در ادامه با بررسی تطبیقی ماهیت خلق پول با قاعده اکل مال به باطل به روش اجتهادی مرسوم این نتیجه به دست می‌آید که ماهیت خلق پول، مصداقی از قاعده اکل مال به باطل نیست. این عدم انطباق با فرض این نکته است که بانک قواعد شرعی و تمامی استانداردهای مشخص‌شده برای خلق پول را رعایت می‌کند. بررسی این استانداردها، رعایت آنها توسط بانک‌های تجاری و چگونگی کفایت آنها در عدم وقوع آثاری که خلق پول را مصداق اکل مال به باطل قرار می‌دهد، نوشته مجزایی را می‌طلبد. در پایان باید به این نکته اشاره کرد که عملکرد سیستم بانکداری ایران در خلق پول آن را مصداقی از قاعده اکل مال به باطل قرار داده است، نسبت کفایت سرمایه و شاخص‌های احتیاطی بانک‌ها رعایت نمی‌گردد. پول خلق‌شده عمدتاً صرف افزایش سرمایه‌گذاری مستقیم بانک‌ها و تملیک دارایی‌های ثابت و همچنین استمهال بدهی‌های معوق بوده است. ورود بانک‌ها به بازار دارایی سبب از بین رفتن ثبات در آن بازار و درآمد هنگفت برای بانک‌ها می‌شود؛ در حالی که پول خلق‌شده باید به صورت منابع کوتاه‌مدت به صورت مستمر در چرخش تسهیلات و سپرده‌ها باشد. به دلیل عدم وجود مکانیزم ورشکستگی، بانک‌های ناسالم از چرخه اقتصاد خارج نشده و با فعالیت نامطلوب خود، نقدینگی بیشتری را منجمد می‌کنند. جبران ورشکستگی بانک‌ها نیز از منابع عمومی صورت می‌گیرد. نتیجه آنکه خلق

پول باعث تورم، قدرت اقتصادی برای بانکها، تضييع حقوق ديگران و تطبيق خلق پول بانکها بر اکل مال به باطل است.

تجربيات موفق مدیریت پولی نشان می‌دهد اشکالات مطرح شده در خصوص خلق پول تلازمی با ماهیت این پدیده ندارد و می‌توان خلق پول را به نحوه‌ای مدیریت نمود که از این آثار و نتایج اجتناب شود. پیشنهاد می‌شود به جای نفی خلق پول در اقتصاد اسلامی که با توجه به عدم تجربه عملی می‌تواند زمینه بحران در اقتصاد را مهیا نماید، مدیریت خلق پول و از آن مهم‌تر هدایت اعتبار حاصل شده از خلق پول در بانکداری اسلامی مورد بررسی قرار گیرد.

منابع و مأخذ

۱. ابن ندیم، محمد بن اسحاق؛ فهرست ابن ندیم؛ ج ۱، محمدرضا تجدد؛ تهران: بانک بازرگانی ایران، ۱۳۴۶.
۲. اردبیلی، احمد بن محمد؛ زبده البیان فی براهین احکام القرآن؛ قم: انتشارات مؤمنین، ۱۴۲۱ق.
۳. اکبری، محمود، سیدمهدی هاشمی فر، رضا کریمی و محمدرضا سیمیری؛ «ابعاد اقتصادی-فقهی پدیده خلق پول از منظر بانکداری اسلامی»؛ پژوهش نامه میان‌رشته‌ای فقهی؛ س ۸، ش ۲، ۱۳۹۹.
۴. انصاری، مرتضی بن محمد امین؛ کتاب المکاسب؛ ج ۱، قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری، ۱۴۱۵ق.
۵. —؛ فرائد الاصول؛ قم: مجمع الفکر الاسلامی، ۱۴۱۹ق.
۶. بحرانی آل عصفور، یوسف بن احمد بن ابراهیم؛ الحدائق الناضرة فی احکام العترة الطاهرة؛ ج ۱، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۵ق.
۷. بخشی دستجردی، رسول، محمدرضا طالب باغبانی، محمدمهدی مجاهدی مؤخر و محمدصالح احمدنیا؛ «نگرش پویایی سیستم به اثر خلق پول بانکی بر تورم در اقتصاد ایران»؛ فصلنامه پژوهشها و سیاست‌های اقتصادی؛ ش ۸۹، ۱۳۹۸.
۸. تسخیری، محمدعلی؛ «سپرده‌های بانکی، تطبیق فقهی و احکام آن»؛ مجله فقه اهل بیت .:، ش ۲۵، ۱۳۸۰.

۹. توسلی، محمد اسماعیل؛ «آیا خلق پول اعتباری بانکها اکل مال به باطل است؟»، برگرفته از:

https://mbri.ac.ir/IslamicBanking/IslamicBanking_Page?

۱۰. حائری، سید محمد مجاهد طباطبایی؛ کتاب المناهل؛ ج ۱، قم: مؤسسه آل البيت، ۱۴۱۰ق.
۱۱. حسینی دولت‌آبادی، سید مهدی؛ «ماهیت بانک و دلالت‌های آن برای مطالعات بانکداری اسلامی»؛ دوره ۸، ش ۲، مطالعات اقتصاد اسلامی؛ ۱۳۹۵.
۱۲. علامه حلّی، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی؛ تحریر الأحكام الشرعية علی مذهب الإمامیه؛ ج ۱، قم: مؤسسه امام صادق ۷، ۱۴۲۰ق.
۱۳. _____؛ مختلف الشیعة فی أحكام الشریعة؛ ج ۲، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۳ق.
۱۴. خسروی، میثم و کامران ندری؛ «نقدی بر نظریه بهره بانکی در مطالعات بانکداری اسلامی با تکیه بر تأثیر خلق پول در تعیین نرخ بهره»؛ مطالعات اقتصاد اسلامی؛ س ۱۲، ش ۲، ۱۳۹۹.
۱۵. خمینی، سید روح‌الله؛ کتاب البیع؛ قم: مؤسسه اسماعیلیان، ۱۴۱۰ق.
۱۶. خوش‌نقش، هادی؛ «خلق پول از دیدگاه فقه امامیه»؛ جستارهای فقهی و اصولی؛ س ۷، ش ۲۲، ۱۴۰۰.
۱۷. داوودی، پرویز و محمد جواد محقق؛ «بانکداری محدود»؛ دوفصلنامه جستارهای اقتصادی؛ ش ۱۰، ۱۳۸۸.
۱۸. سبحانی، حسن و محمد جعفری نژاد؛ «اعتبارهای بانکی، ابزاری برای تبدیل سرمایه اجتماعی به سرمایه نقدی»؛ اقتصاد اسلامی؛ ش ۵۶، ۱۳۹۴.
۱۹. سبحانی، حسن و حسین درودیان؛ «ارزیابی توجیه‌پذیری خلق پول به وسیله سیستم بانکی در نظام بانکداری اسلامی»؛ اقتصاد اسلامی؛ ش ۵۴، ۱۳۹۵.
۲۰. سبحانی، حسن و منصور ملکی؛ «درون زایی پول در نظام پولی و مالی اسلامی»؛ تحلیلی مقایسه‌ای با رویکرد پول درون‌زای پساکینزین»؛ جستارهای اقتصادی؛ ش ۲۰، ۱۳۹۲.
۲۱. سلیمانی، حمید، عباسعلی سلطانی و مریم صفایی؛ «واکاوی قلمرو قاعده اکل مال به باطل»؛ مطالعات فقه اسلامی و مبانی حقوق؛ ش ۳۴، ۱۳۹۵.

۲۲. صمصامی، حسین و فرشته کیانپور؛ «بررسی امکان خلق پول توسط نظام بانکی در نظام مالی اسلامی»؛ معرفت اقتصاد اسلامی؛ ش ۱۳، ۱۳۹۴.
۲۳. صمصامی، حسین، پرویز داودی و جلال جهانی؛ «هزینه‌های خلق پول در نظام بانکداری متعارف و راهکار تأمین مالی اسلامی»؛ پژوهشنامه اقتصادی؛ ش ۱۴، ۱۳۹۳.
۲۴. طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن؛ تهذیب الأحکام؛ ج ۴، تهران: دار الکتب الإسلامیه، ۱۴۰۷ق.
۲۵. عالی پناه، علیرضا و محمدحسن تاج لنگرودی؛ «بررسی فقهی خلق پول به وسیله بانک‌های تجاری»؛ پژوهش نامه میان‌رشته‌ای فقهی (پژوهش‌نامه فقهی)؛ س ۵، ش ۲، ۱۳۹۶.
۲۶. حرّ عاملی، محمد بن حسن؛ وسائل الشیعه؛ ج ۱، قم: مؤسسه آل‌البیت، ۱۴۰۹ق.
۲۷. عربی، سیدهادی و سیدحسین میثمی؛ پول و بانکداری با رویکرد اسلامی؛ قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۷.
۲۸. علیشاهی قلعه جوقی و سعیده لطیفی؛ «بررسی نظریه ودیعه گذاری مالیت در سپرده های بانکی»؛ دانش حقوق مدنی؛ س ۲، ش ۱، ۱۳۹۲.
۲۹. عیسوی، محمود، محمدمهدی مجاهدی مؤخر، امیر خادام علیزاده و معصومه آقاجانی؛ «چارچوب نظری عرضه پول (مقایسه تطبیقی اقتصاد متعارف و اقتصاد با رویکردی اسلامی)؛ راهبرد اقتصادی؛ س ۸، ش ۲۸، ۱۳۹۸.
۳۰. فیاض، محمداسحاق؛ محاضرات فی اصول الفقه: تقریرات آیت‌الله خویی؛ ج ۲، چ ۴، قم: مؤسسه انصاریان، ۱۴۱۰ق.
۳۱. قاسم‌زاده، مرتضی؛ الزام‌ها و مسئولیت مدنی بدون قرداد؛ ج ۲، تهران: انتشارات میزان، ۱۳۸۷.
۳۲. قمی، ابوالقاسم بن محمدحسن (میرزای قمی)؛ جامع الشتات فی أجوبه السؤالات؛ ج ۱، تهران: مؤسسه کیهان، ۱۴۱۳ق.
۳۳. کسنوی، شادی؛ «بررسی قاعده فقهی "حرمت اکل مال به باطل" از دریچه حقوق و اقتصاد»؛ فقه و اصول؛ ش ۱۱۱، ۱۳۹۶.
۳۴. کشی، محمد بن عمر؛ اختیار معرفه الرجال؛ قم: مؤسسه آل‌البیت لإحياء التراث، ۱۴۰۴ق.
۳۵. کميجانی، اکبر، حمید ابریشمی و سیدعلی روحانی؛ «ماهیت بانک و فرایند خلق پول بانکی؛ نقد دیدگاه‌های رایج و دلالت‌ها»؛ جستارهای اقتصادی ایران؛ ش ۲۹، ۱۳۹۷.

۳۶. مجاهدی مؤخر، محمدمهدی، رحیم دلالی اصفهانی، سعید صمدی و رسول بخشی دستجردی؛ «مدلسازی الگوی رفتار بین نسلی از عملکرد بانکداری ذخیره جزئی»؛ تحقیقات مدل سازی اقتصادی؛ دوره ۲، ش ۵، ۱۳۹۰.
۳۷. مدرسی طباطبائی یزدی، محمدرضا؛ «فقه رمز ارزها»؛ قم: انتشارات مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه، ۱۴۰۰.
۳۸. مرکز پژوهش‌های مجلس؛ «ابعاد و پیامدهای خلق پول توسط بانک‌های تجاری در ایران»؛ تهران: معاونت پژوهش‌های اقتصادی مرکز تحقیقات مجلس، ۱۳۹۲.
۳۹. مکارم شیرازی، ناصر؛ **انوار الفقاهة**؛ قم: مدرسه الامام علی بن ابی طالب، ۱۴۲۵ق.
۴۰. نجفی (صاحب الجواهر)، محمدحسن؛ **جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام**؛ ط ۷، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۴ق.
41. Al-jarhi, Mabid Ali mohamed; "Remedy for Banking Crises: What Chicago and Islam Have in Common: A Comment", **Islamic Economic Studies**; Vol.11, No.2, 2004.
42. Anwar, Muhammad; "Islamicity of Banking and Models of Islamic banking"; **Arab Law Quarterly**; 2000.
43. Berger, Allen N and John Sedunov; "Bank Liquidity Creation and Real Economic Output"; **Journal of Banking and Finance**; Vol.81, 2017.
44. Meera, Mydin, Ahamed Kameel and Moussa Larbani; "Ownership Effects of Fractional Reserve Banking An Islamic Perspective", **Department of Business Administration**; Vol.25, Issue 2, 2009.
45. Werner, Richard A; "Can banks individually create money out of nothing? The theories and the empirical evidence", **International Review of Financial Analysis**; Vol.36, 2014.
46. Zuriyati, Ahmad and Abdul Ghafar Ismail; "Full reserve system and the Maqasid Shariah", **Islamic Development Bank**; Jeddah, Saudi Arabia, 2017.

